

گزارشی از روند تحولات مصر^۱

در ماه‌های پایانی سال ۸۹، خاورمیانه یکباره دچار التهاب و طغیان شد، گویی همه مردم منطقه ناگهان از غفلت بسیار طولانی و زیان‌بار بیرون آمده و با دیدن اوضاع آشفته خود بی‌قرار شده‌اند. در این میان کشور تونس که به عنوان الگویی برای توسعه و پیشرفت در جهان عرب معرفی شده است با جرقه‌ای زیر و رو گردیده و رئیس‌جمهور آن با کمترین مقاومت در مقابل قیام مردم، قدرت را ترک و از کشور فرار کرد. حادثه‌ای که کشورهای عرب منطقه را لرزاند و موجب گردید مسئولان این کشورها با دستپاچگی دست به اقدامات مختلف در جهت مصالح عامه مردم بزنند اما هیچ یک از این اقدامات از اعتراض مردم بیدار شده جلوگیری نکرد و خیلی زود تظاهرات مردمی شکل گرفت و روز خشم در یک یک کشورهای عربی اعلام شد.

به دنبال قیام مردم تونس اولین کشوری که به سرعت متحول شد کشور بزرگ مصر بود که با اجتماع چند هزار نفری مردم در میدان التحریر پایتخت مصر، حرکت میلیونی مسلمانان علیه رژیم مبارک آغاز شد و موجب تحولات در سایر کشورها گردید که با توجه به اهمیت مصر در جهان عرب، بر آن شدیم تا گزارشی کوتاه از این حوادث را ارائه دهیم.

این روزها در مورد حوادث تونس و سپس مصر رسانه‌ها و مردم از واژه «انقلاب» استفاده می‌کنند اما سوال اساسی آن است که آیا واقعا این حوادث را می‌توان انقلاب نامید؟ در محیط‌های آکادمیک برای بررسی چنین پدیده‌هایی چهار سوال اساسی مطرح می‌شود تا ابعاد مختلف موضوع واکاوی شود: در ابتدا از جنس حرکت و تعاریف آغاز می‌کنند و سپس به چگونگی تحولات آن می‌پردازند. و بعد از آن چرایی و به عبارت بهتر ریشه‌های تحولات صورت گرفته مورد پرسش قرار می‌گیرد و در آخر از بازتابها و

تأثیرات این تحولات سوال می‌شود. با توجه به این چهار سطح مطالعاتی سعی داریم تا تأملی کوتاه نسبت به حوادث اخیر مصر داشته باشیم.

چیستی انقلاب

آیا تحولات اخیر مصر انقلاب محسوب می‌شود؟ برای پاسخ به این سوال می‌بایست به تعاریف انقلاب و ویژگی‌های آن بازگردیم؛

فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد در ذیل مدخل انقلاب چنین آورده است: «سرنگونی یک نظام مستقر که متضمن انتقال قدرت دولت از یک رهبر به رهبری دیگر و احتمالاً متضمن ساختاربندی مجدد رادیکال روابط اجتماعی و اقتصادی است»^۱.

در فرهنگ روابط بین‌الملل نیز انقلاب چنین تعریف شده است: «در روابط بین‌الملل این اصطلاح (انقلاب) عموماً در موارد زیر به کار می‌رود: الف) به تغییر شدید و ناگهانی در یک نظام حکومتی اشاره دارد که اغلب با خشونت همراه است، ب) به هر گونه تغییر و تحول بنیادی در نهادها و ارزش‌های یک جامعه^۲، دولت^۳ یا نظام^۴ اشاره دارد... از نظر مارکسیست / لنینست‌هایی که در بحث‌های جدید مربوط به این پدیده مسلط بودند، انقلاب‌هایی که بدرستی انقلاب نامیده می‌شوند، تنها شامل تغییر یک رژیم سیاسی نمی‌شود، بلکه تغییر در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه را نیز در بر می‌گیرد»^۵.

به طور کلی محققان این نوع مباحث چندین عنصر را به عنوان ویژگی‌های اصلی یک انقلاب می‌شمارند که مردمی بودن، سرعت در تغییرات، رهبری، و مهم‌تر از همه تغییرات در ساختار سیاسی و حتی اجتماعی و اقتصادی از جمله آن‌ها است. در مورد کشور مصر و البته تونس باید اذعان کرد که دو فاکتور رهبری و تغییرات

۱ - ایان مک لین، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران، میزان؛ ۱۳۸۷، ص ۸۲۸

۲ - society

۳ - state

۴ - system

۵ - گراهام ایوانز و جفری نونام، فرهنگ روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، تهران، میزان؛ ۱۳۸۱، ص ۷۳۰-۷۳۱

ساختار سیاسی مفقود است آنچنان که در دو کشور یاد شده با وجود کناره‌گیری مبارک و بن علی از قدرت، تغییری در ساختار سیاسی مصر و تونس شکل نگرفته و همه چیز در شکل سابق خود حفظ شده است. با توجه به این عنصر، هنوز نمی‌توان این تحولات را به عنوان انقلاب یاد کرد. اما آنچه که روشن است حوادث از آغاز تاکنون روندی تکاملی را پیموده که این عامل موجب می‌شود تغییرات بنیادی در این دو کشور را انتظار بکشیم که روند حوادث نیز چنین فرایندی را تایید می‌کند.

مروری بر تحولات اخیر مصر

مطابق فرایندی که در ابتدای بحث بیان گردید، یکی دیگر از مراحل بررسی یک تحول سیاسی و اجتماعی توجه به چگونگی شکل‌گیری آن است. اما قبل از مرور حوادث پیش آمده در مصر و بررسی فرایند آن، معرفی خود مصر ضروری به نظر می‌رسد؛ مصر با بیش از ۸۰ میلیون جمعیت که ۹۰ درصد آن مسلمان می‌باشند از کشورهای مهم جهان اسلام و منطقه خاورمیانه و قاره آفریقا محسوب می‌شود که به علت هم مرزی با اسرائیل، کانال سوئز و داشتن خط ساحلی با دریایی سرخ و مدیترانه یک کشور استراتژیک در منطقه محسوب می‌شود.

مصر که در سال ۱۹۲۲ میلادی به استقلال رسید، در سال ۱۹۵۲ میلادی با کودتایی نظامی به نظام جمهوری تغییر ماهیت داد. اما نظام مصر طی ۶۰ سال اخیر (از ۱۹۵۳ - ۲۰۱۱م) تنها نام جمهوری را یدک کشیده و بررسی عملکرد رژیم نشان می‌دهد که قانون اساسی مصر تحت شعاع ویژگی مسلط دیگری به نام اقتدارگرایی بوده است^۱ آنچنان که از سال ۱۹۵۲ تا کنون تنها سه نفر عهده‌دار منصب ریاست جمهوری در مصر بوده‌اند ابتدا جمال عبدالناصر سپس انور سادات و از سال ۱۹۸۱ تاکنون این پست به حسنی مبارک رسیده است.

۱- مختار حسینی، برآورد استراتژیک مصر، تهران: ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵

حسنى مبارك^۱ (محمدحسين السيد مبارك) به عنوان سومين رئيس جمهور مصر در سال ۱۹۲۸ در ايالت منوفيا متولد شد و در سال ۱۹۴۸ ليسانس علوم نظامى را در يافت كرد و در سال ۱۹۵۰ توانست درجه على هوانوردى را در يافت كند. ايشان در سال ۱۹۶۹ به رياست ستاد هوايى منصوب گرديد و پس از آن بود كه پله‌هاى صعود را در رژيم مصر طى كرد تا اين كه در سال ۱۹۷۵ به عنوان معاون انور سادات برگزيده شد. در سال ۱۹۷۹ به نايب رئيسى حزب تازه تاسيس دموكراتيك رسيد و پس از ترور سادات در سال ۱۹۸۱ مسئوليت رياست جمهورى مصر را عهده‌دار گرديد كه تا ۲۰۱۱ در اين مقام باقى ماند.^۲

لازم به ذكر است كه در مصر شركت افراد براى به دست گرفتن پست رياست جمهورى محدود نمى باشد و طى اين سالها مبارك در انتخابات صورى شركت كرده و با اخذ آراى بالا در اين مقام ابقا شده است.

اما بحث جانشينى مبارك به دليل بالا رفتن سن و وضعيت نامساعد جسمانى او و نيز نزديك شدن به زمان انتخابات رياست جمهورى، از مدت‌ها پيش در محافل رسانه‌اى دنيا مورد توجه قرار گرفته بود. چهره‌هاى نظير «جمال مبارك» فرزند حسنى مبارك، «ژنرال سليمان» رئيس دستگاه‌هاى اطلاعاتى مصر، «محمد البرادعى» رئيس سابق سازمان بين‌المللى انرژى اتمى، «عمرو موسى» دبيركل اتحاديه عرب و «صفوت شريف» دبيركل حزب حاكم مصر از جانشينان احتمالى وى به شمار مى رفتند.^۳ در اين ميان مبارك به دنبال آن بود كه پسرش جمال مبارك را به جانشينى خود بگمارد و طى دو سال اخير اقدامات مختلفى در اين راستا انجام داده بود. جالب آن كه در ماه‌هاى منتهى به پايان سال ۲۰۱۰ به دليل احتمال عدم موفقيت جمال مبارك شايعاتى مبتنى بر شركت مجدد مبارك در رسانه‌ها منتشر شد.

۱ - Hosni Mubarak

۲ - مختار حسينى، پيشين، ص ۲۶۱

۳ - بى نا، حسنى مبارك كيست، به نقل از سايت آفران به آدرس

<http://www.afiran.ir/modules/publisher/item.php?itemid=۱۳۷>

آنچه که در ماه‌های اخیر - که به انتخابات نزدیک می‌شدیم - جلب توجه می‌کرد خواست گروه‌های مختلفی بود که اصلاحات در ساختار سیاسی مصر را مطالبه می‌کردند، اغلب افراد و گروه‌ها از فساد و فقر به ستوه آمده بودند و خواستار اصلاحات بودند. با این زمینه‌ها در سال ۲۰۱۰ کم‌کم گروه‌بندی‌های سیاسی برای انتخابات سال ۲۰۱۱ شکل گرفت و دو خط سیاسی در برابر هم صف‌آرایی کردند:

خط حامیان «حسنی مبارک» که خواهان امتداد ریاست جمهوری او با حضور مبارک در انتخابات یا با نامزدی پسرش «جمال مبارک» بودند. این بخش طیفی را تشکیل می‌دادند که سال‌های سال از دولت حسنی مبارک بهره‌مند شده‌اند و به قشر مرفه و صاحب سرمایه تجاری و سودآور بنگاه‌های وابسته یا پیوسته به دولت شهرت دارند.

حامیان مبارک شعار اصلاحات را محور فعالیتشان قرار داده و برای رسیدن به اهداف خود دو تاکتیک را در دستور کارشان قرار دادند: کنترل رسانه‌ها و ایجاد نوعی جنگ روانی و تبلیغاتی علیه احزاب و شخصیت‌های مخالف دولت و دیگری، پرداخت مخارج سنگین و صرف پول بسیار برای کسب آراء عمومی.

در مقابل این طیف از حامیان حسنی مبارک، احزاب ملی و مذهبی و شخصیت‌های صاحب‌نام مصری قرار گرفته بودند که در سراسر مصر مردم و جامعه این کشور را نسبت به موضوع انتخابات حساس می‌کردند. به همین خاطر بود که مجامع دانشگاهی و به‌ویژه جوانان در مصر که از بیکاری و استبداد حاکمیت و کنترل امنیتی آزادی‌های فردی و اجتماعی در رنج بودند، در سراسر مصر برای تحول در مدیریت کشور بسیج شدند.^۱

اما طوفانی که امواج آن از خیابان‌های تونس آغاز شد و به ختم حکومت بن علی و فرارش منجر شد، یمن را درنوردیده و به قاهره رسید و پایه‌های دیکتاتوری مصر را متزلزل کرد و تمام معادلات را بهم ریخت. اعتراضات وسیع مردمی که همه جریان‌های فعال سیاسی مصر در آن حضور دارند، چهره این کشور را تغییر داده و همه معادلات را

۱ - بی‌نا، مصر، جمهوری موروثی یا انتخابات آزاد، به نقل از سایت <http://www.bashgah.net>

برای انتخابات ۲۰۱۱ بر هم زد. جریان اخوان المسلمین، احزاب چپ، و ملی‌گرایان مصری که عده قابل توجهی از ملت مصر را شامل می‌شوند، حمایت خود را از اعتراضات گسترده مردمی اعلام کرده‌اند. هرچند معترضان ابتدا با طرح موضوعاتی همچون افزایش قیمت‌ها، بی‌کاری و فساد اداری دست به اعتراض و شورش زدند اما، به تدریج این اعتراضات به اعتراضات سیاسی بدل گردید و روز به روز بر حجم این اعتراضات افزوده شد.^۱

با آغاز اعتراض جوانان در پایتخت مصر و حمایت گروه‌های سیاسی از این اعتراضات جنب و جوش عجیبی در مصر پدید آمد و به سرعت به شهرهای دیگر مصر گسترش یافت تا پس از ۱۸ روز مقاومت، حسنی مبارک مجبور به ترک قدرت شد و «عمر سلیمان» معاون رئیس‌جمهور طبق قانون اساسی مصر، ریاست حکومت موقت را برعهده گرفت. اما مردم برکناری سلیمان را نیز خواستار شدند چون او را ادامه دهنده راه مبارک می‌دانستند البته به این خواسته خود نیز دست یافتند. در روزهای پس از سقوط مبارک مردم صحنه را ترک نکردند و نشان دادند که خواستار تغییرات بنیادین هستند و نظامیان که هم اکنون قدرت را در دست گرفته اند قول‌هایی برای اجرای این خواسته‌ها داده‌اند.

چرایی حوادث اخیر

در مورد چرایی حوادث اخیر بحث‌های زیادی مطرح و عوامل زیادی به عنوان دلایل این تحولات بیان گردیده است. اما نکته‌ای که در مورد چرایی این تحولات اهمیت دارد تعیین خواسته‌های مردم در این انقلاب است و این که آیا تحولات مصر به سوی اسلام‌گرایی رادیکال میل می‌کند یا خیر؟ در مورد این مسئله مباحث زیادی صورت می‌گیرد و از جانب قدرت‌های فرامنطقه‌ای چون آمریکا نیز برنامه‌هایی برای

۱- بی‌نا، برژینسکی: مصر آتش‌نشانی است که منطقه را می‌سوزاند، به نقل از سایت آفران به آدرس <http://www.afiran.ir/>

شکل‌گیری آنچه که «دموکراسی کنترل شده» نامیده می‌شود دنبال شده که سعی دارد از شرکت اسلام‌گرایان در انتخابات و رای آوردنشان جلوگیری کند. علت این تلاش‌ها از سوی قدرت‌های یاد شده به رای آوردن اسلام‌گراها در کشورهای اسلامی باز می‌گردد که با اجرای انتخابات آزاد مردم گرایش به آنها پیدا می‌کنند مانند آنچه که در ترکیه و فلسطین (حماس) اتفاق افتاده است. با توجه به همین نکته است که تحلیل‌گران غربی سعی دارند ریشه بحران‌های اخیر جهان عرب را به مسائل اقتصادی و معیشتی تقلیل دهند و رشد اسلام‌گرایی را نادیده می‌انگارند.

با توجه به این نکته و بررسی عوامل دیگر در رسانه‌ها و سایر منابع، در اینجا تنها به اسلام‌گرایی در مصر اشاره می‌کنیم؛ مصر اولین کشور اسلامی بود که با جهان غرب مواجه شد و نسبت به رواج اندیشه غربی واکنش نشان داد به طوری که حرکت اسلام سیاسی با پیشگامی سید جمال الدین اسد آبادی، عبدو و حسن البنا و... از حرکت‌های ریشه‌دار مصر و کل جهان اسلام محسوب می‌شود و با وجود سرکوب شدید در طی سالیان توانسته پویای خود را حفظ کند و در حوادث اخیر هرچند اندکی دیر اما قدرتمند وارد صحنه شده و تاثیرات پایداری را بر فرایند حوادث گذاشته است. اسلام سیاسی در مصر آنچنان ریشه دار است که کشورهای غربی ترس آن دارند که با برگزاری انتخابات آزاد اسلام‌گراها قدرت را در دست گیرند.

وجه دیگر اسلام خواهی در مصر اعتقادات مردم مصر است که در نظر سنجی موسسه آمریکایی "پیو" که در دسامبر ۲۰۱۰ (آذر ماه ۱۳۸۹) از میان شهروندان ۷ کشور اسلامی ترکیه، پاکستان، نیجریه، اردن، لبنان، مصر و اندونزی به عمل آمده، منعکس شده است. این نظر سنجی به عنوان آخرین نظر سنجی علمی و قابل استناد، گرایش‌های اسلامی مردم مصر را مورد توجه قرار داده و مهم‌ترین شاخصه‌های آن را در موارد زیر ذکر می‌کند:

۱- حمایت از گروه‌های اسلامی: حمایت از حماس: ۴۹ درصد، از حزب الله: ۳۰

درصد، از القاعده: ۲۰ درصد.

۲- حمایت از ایفای نقش اسلام در سیاست: ۹۵ درصد مردم مصر از ایفای نقش اسلام در سیاست کشورشان حمایت کرده‌اند.

۳- اعتماد نسبت به اسامه بن لادن: تنها ۱۹ درصد مردم مصر گفته‌اند که به بن لادن اعتماد دارند.

۴- مدرنیته و اسلام‌گرایی: ۳۱ درصد از مردم مصر معتقدند که مدرنیته و اسلام‌گرایی در کشورشان با هم تضاد دارند و از این میزان افراد ۲۷ درصد طرفدار مدرنیته و ۵۹ درصد اسلام‌گرا بوده‌اند، در مقابل ۶۹ درصد از مردم مصر گفته‌اند که در کشورشان مدرنیته با اسلام‌گرایی تضادی ندارد.

۵- تفکیک جنسیتی بین زن و مرد: ۵۴ درصد از مردم مصر موافق سیاست تفکیک جنسیتی بین زن و مرد در محیط‌های کاری هستند و ۴۴ درصد مخالف این کار هستند.

۶- اجرای حدود: درباره سه مجازات سنگسار (برای زناکار)، قطع دست و شلاق (برای دزدی) و اعدام افرادی که از دین اسلام بر می‌گردند (مرتد) نظر مردم مصر چنین است: سنگسار: ۸۲ درصد موافق اعمال مجازات سنگسار برای مرتکبان به زنا هستند. قطع دست و شلاق: ۷۷ درصد از مردم مصر موافق اعمال این مجازات برای سارقان هستند. اعدام مرتدین: ۸۴ درصد از مردم مصر معتقدند که باید کسانی را که از دین اسلام بر می‌گردند اعدام کرد.

۷- نظر مردم مصر نسبت به سه گزینه درباره دموکراسی: در مورد دموکراسی مرجح‌ترین سیستم سیاسی، ۵۹ درصد از مردم مصر به این گزینه پاسخ مثبت داده‌اند. ترجیح حکومت غیر دموکراتیک در برخی شرایط: ۲۲ درصد از مردم مصر به این گزینه رای داده‌اند.

اهمیت نداشتن دموکراتیک بودن یا نبودن ساختار حکومت: ۱۶ درصد از مردم مصر به این گزینه رای مثبت داده‌اند.

۸- عملیات انتحاری: به طور کلی حدود ۲۰ درصد از مردم مصر از انجام چنین عملیات‌هایی حمایت می‌کنند و ۸۰ درصد اعلام کرده‌اند که این کار عمل درستی

نیست: ۸ درصد از مردم مصر گفته اند که اغلب اوقات این نوع اقدام را درست می‌دانند، ۱۲ درصد از مردم مصر گفته‌اند که گاهی اوقات این نوع عملیات درست است، ۳۴ درصد گفته‌اند که این اقدام تنها به ندرت عمل درستی است و ۴۶ درصد از مردم مصر گفته‌اند که عملیات انتحاری را هرگز تایید نمی‌کنند.

۱۰- نگرانی از گسترش افراط‌گرایی اسلامی در جهان و در مصر:

۷۰ درصد از مردم مصر گفته‌اند که از گسترش افراط‌گرایی اسلامی در جهان نگرانند که از این میزان ۳۰ درصد به شدت ابراز نگرانی کرده‌اند و ۴۰ درصد گفته‌اند که تا حدودی نگران هستند.

درباره نگرانی از افراط‌گرایی اسلامی در مصر، ۶۱ درصد از مردم مصر گفته‌اند در این باره نگرانی دارند که از این میزان ۲۰ درصد به شدت نگران هستند و ۴۱ درصد تا حدودی نگرانی می‌باشند.^۱

با توجه به آماری که ذکر گردید می‌توان مدعی شد که مردم مصر به اسلام و نقش آن در سیاست اعتقاد دارند، از این جهت است که غربی‌ها به شدت از شکل‌گیری روند دموکراتیک در مصر و جهان اسلام واهمه دارند. اما باید توجه داشت که روند اسلام‌خواهی جوامع اهل سنت متفاوت‌تر از کشورهای شیعی چون ایران است؛ در این مورد می‌توان به تفاوت‌های اندیشه‌ای و نبود یک سیستم و نهاد قدرتمند و یکپارچه در میان روحانیون اهل سنت اشاره کرد.

بازتاب‌ها و تاثیرات تحولات مصر

تاثیرات و بازتاب‌های تحولات مصر را می‌توان در دو بخش بین‌المللی و منطقه‌ای تقسیم نمود: در بخش بین‌المللی، سقوط مبارک به عنوان یکی از مهم‌ترین هم‌پیمانان غرب و بویژه آمریکا منافع این کشورها را در منطقه تهدید کرده است آنچنان که تشتت آرا و پراکنده‌گویی در گفتار سیاست‌مداران غربی نشان‌دهنده چنین مسئله‌ای است.

۱ - به نقل از سایت آفران به آدرس <http://www.afiran.ir>

در این میان سه مسئله، از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای غربی محسوب می‌شود که عبارتند از: جریان مداوم و امن نفت به سوی غرب، حفظ اسرائیل و آنچه که آنها مبارزه علیه تروریسم می‌نامند. به علت همین نگرانی‌ها است که در روزهای اخیر نظامیان مصری - که دو بار در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ با اسرائیل جنگیده‌اند - اعلام نمودند به قراردادهای بین‌المللی پایبند هستند و به طور روشن قرارداد کمپ دیوید را در نظر داشتند اما در مقابل، با اجازه دادن به دو ناو نظامی ایرانی پیام‌های دیگری نیز برای غربی‌ها ارسال کردند.

به طور کلی باید گفت که قضاوت در مورد این حرکت‌های ضد و نقیض هنوز زود است و باید منتظر نشست و دید که فرایند تحولات به کدام سمت خواهد رفت و مردم مصر برای آینده کشورشان چه در سر می‌پرورانند؟ و آیا اجازه می‌دهند نظامیان قدرت را قبضه کنند؟ در هر صورت می‌توان پیش‌بینی نمود که حکومت آینده مصر دیگر مانند گذشته فرمان‌بردار مطلق دستورات کشورهای غربی نخواهد بود.

تحولات مصر به لحاظ منطقه‌ای تأثیرات عمیق‌تری خواهد داشت و این تأثیرگذاری عمیق به جایگاه مصر در جهان اسلام باز می‌گردد؛ مصر در سال ۱۷۹۸ تا ۱۷۹۹ میلادی توسط ناپلئون تسخیر گردید و از همان زمان به مقایسه نیروی معنوی و امکانات مادی خود در برابر تمدن صنعتی غرب پرداخت. و به عنوان مرکز ثقل جنبش‌های اسلامی در جهان عرب و اسلام ایفای نقش کرد و دیگر کشورهای منطقه از این حرکت‌ها متأثر شد.^۱

مضاف بر این، سابقه تمدنی و فرهنگی مصر نماد دنیای عرب است و طی سالیان زیادی هر پدیده‌ای در مصر رخ داده است تأثیرات شگرفی در جهان عرب و اسلام بر جای گذاشته است. مانند رشد ناصریسم و ناسیونالیسم عربی، رشد جنبش‌های اسلامی، رهبری جهان عرب برای مبارزه با اسرائیل و بالاخره صلح‌طلبی این کشور با اسرائیل و پذیرش دیگر کشورهای عرب که نشان از عمق نفوذ فکری این کشور در جهان عرب دارد.^۲

۱ - ابراهیم محمد و دیگران، اخوان المسلمین مصر، ترجمه موسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران: اندیشه سازان نور، ۱۳۸۴، ص ۵

۲. جمیله کدیور، مصر از زاویه دیگر، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۸

با توجه به این نکات، تاثیرات منطقه‌ای تحولات مصر را می‌توان در دو بعد مطالعه کرد: **الف)** با قیام مردم در مصر مطمئناً دیگر کشورهای عربی از این حوادث متاثر شده و نسبت به حکومت‌های اقتدارگرای خود به پا خواهند خواست؛ **ب)** اما مهم‌ترین تاثیر مصر در آینده به ساختار سیاسی مصر مربوط می‌شود، هر ساختار سیاسی که در مصر شکل بگیرد تاثیرات عمده‌ای بر نوع ساختارهای سیاسی کشورهای منطقه خواهد گذاشت که به نفوذ فکری مصریان در جوامع عربی و شمال آفریقا باز می‌گردد.

نتیجه

با توجه به مباحثی که گذشت باید اذعان کرد که فرایند تحولات مصر در حال تکامل است و می‌بایست به انتظار نشست و دید که آیا نظام سیاسی مصر دچار تغییرات بنیادی خواهد شد؟ و به تبع آن ساختارهای اجتماعی و اقتصادی این کشور استراتژیک جهان عرب تغییر خواهد کرد یا خیر؟ در ادامه این تغییرات باید دید که ضریب نفوذ این تغییرات در دیگر کشورهای منطقه تا چه اندازه است؟ این تغییرات بویژه در آنچه که ساخته خواهد شد به ما نشان خواهد داد که جهان عرب به کدام سو میل خواهد کرد.

منابع

- ۱- ایوانز، گراهام و جفری نونام، فرهنگ روابط بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، تهران، میزان؛ ۱۳۸۱
- ۲- برژینسکی، مصر آتشفشانی است که منطقه را می‌سوزاند، به نقل از سایت آفران به آدرس <http://www.afran.ir>
- ۳- بی‌نا، حسنی مبارک کیست، به نقل از سایت آفران به آدرس <http://www.afran.ir>
- ۴- بی‌نا، مصر، جمهوری موروثی یا انتخابات آزاد، به نقل از سایت <http://www.bashgah.net>
- ۵- حسینی. مختار، برآورد استراتژیک مصر، تهران؛ ابرار معاصر تهران؛ ۱۳۸۱
- ۶- کدیور جمیله، مصر از زاویه دیگر، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۳
- ۷- محمد ابراهیم و دیگران، اخوان المسلمین مصر، ترجمه موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران: اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۴
- ۸- مک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران، میزان؛ ۱۳۸۷

